

## احمد رومی، شاعر گمنام سلسله مولویه\*

نوشته آلفونس س. م. هیمر  
ترجمه محمد جواد شمس

در جلد سوم کتاب ادبیات فارسی اثر برگل<sup>۱</sup> که اخیراً منتشر شده است، مطالبی درباره اثری فارسی با عنوان دقاق الحقائق می خوانیم که به قلم احمد رومی در ۷۲۰ هـ ق تألیف شده است.<sup>۲</sup> برگل این اثر را رساله ای صوفیانه می خواند که به تقلید یا در جواب مثنوی جلال الدین رومی نگاشته شده است. وی بررسی بسیار مختصری نیز درباره نسخه های موجود آن به دست داده است. بدیع الزمان فروزانفر، در مقدمه شرح مثنوی، اذعان داشته که از اثری فارسی بهره برده که احمد رومی آن را در ۷۲۰ هـ ق تألیف

\* ترجمه مقاله ای است از:

Alphons C. M. Hamer, "An Unknown Mawlawī - Poet: Aḥmad-i Rūmī," in *Studia Iranica*, Tome 3, 1974, E. J. Brill, Leiden.

ضمناً، علاوه بر این مقاله، نگاه کنید به: احمد رومی، دقاق التحقیق، به اهتمام محمد رضا جلالی نایینی و محمد شیرازی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴ ش. - م.

1. J. E. Bregel's, *Persidskaya Literatural*, Moscow, 1973, p. 1334-35.

۲. این اطلاع (عنوان) تصحیحی است از جلد ۱، مسکو ۱۹۷۲ م، ص ۱۱۷؛ در آنجا این اثر به اشتباه به عنوان یک تفسیر فهرست شده است.

کرده است، و اظهار کرده که عنوان کتاب را به دست نیاورده است.<sup>۳</sup> از بحث وی، درباره این اثر، چنین بر می آید که کتاب مورد نظر او همان دقائق الحقائق است.

با این همه، بعداً خواهیم دید که نظر فروزانفر مبنی بر اینکه کتاب مذکور نخستین گام در شرح مثنوی معنوی بوده است، چندان درست نیست. ظاهراً برگل و فروزانفر از این امر بی اطلاع بوده اند که احمد رومی مؤلف سه یا چهار اثر آموزشی بوده و گذشته از این به عنوان سراینده اشعار عاشقانه نیز شهرت داشته است. در این مقاله، هدف ما این است که همه اطلاعات موجود درباره احمد رومی و تألیفات او را در قالب کتابشناسی توصیفی عرضه کنیم و تا آنجا که مرحله کنونی بحث اجازه می دهد، اهمیت او را در بررسی تأثیر مولوی در ادبیات صوفیانه زبان فارسی، در دوره های بعد، مشخص کنیم.

### تألیفات احمد رومی

نخست باید به شناسایی آثار احمد رومی بپردازیم. دقاق الحقائق، که ظاهراً مشهورترین اثر احمد رومی است، در بردارنده هشتاد فصل است که هر یک از آنها با یک آیه یا حدیث و ترجمه فارسی آن شروع می شود. گاه مؤلف به تفسیر آیه نیز پرداخته است، اما معمولاً آیه یا حدیث نقطه آغاز بحث درباره برخی جنبه های خاص در آیین صوفیه است. موضوعها با اشعاری از دیوان کبیر و مثنوی جلال الدین شرح و تفسیر شده است و هر فصل با یک مثنوی شامل ۳۰ الی ۶۰ بیت، در قالب بحر رمل، مانند مثنوی معنوی، خاتمه می یابد. در بیشتر نسخه ها، قبل از متن اصلی، مقدمه کوتاهی به نثر و نظم و فهرستی از مطالب کتاب آمده است. در آغاز مقدمه (بعد از بسم الله) چنین آمده است: «الحمد لله رب العالمین، و العاقبة للمتقین، و صلى الله على سيدنا محمد و آله الاعمین ... ۴» (برگ ۱۱۸ ب ...). نخستین بیت پس از کلمات آغاز کتاب، که در واقع مطلع مقدمه است، چنین است:

ابتدا بانام رحمان و رحیم دستگیر مرد و زن در وقت بیم

(برگ ۱۱۹ ب ۱-۲)

فصل اول با حدیث: «الشريعة اقوالی و الطریقه افعالی و الحقیقه حالی» شروع شده است (برگ ۱۲۰

۳. شرح مثنوی شریف، از بدیع الزمان فروزانفر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش، جلد ۱، ص ده. در آنجا آمده است: «از

شرح مثنوی، به کتب زیر مراجعه کرده ام: الف - کتابی که نامش را به دست نیاورده ام از شخصی به نام احمد رومی...

۴. در نسخه چاپی به صورت «... و آله الطاهیرین و اصحابه الزاهدین» آمده است (ص بیست و شش).

## الف ۱-۴) ۵.

نام مؤلف سه بار در متن آمده است، دوبار در مقدمه (برگ ۱۱۸ ب ۱-۴ و برگ ۱۱۹ الف ۱-۷/۶) و یک بار در انتها (برگ ۳۲۰ الف ۱-۷). صاحب الذریعة (۳۳/۷، شماره ۱۳۶) به اشتباه این اثر را به پسر مولانا، سلطان ولد (متوفی ۷۱۲ هـ ق) نسبت داده است، در حالی که تاریخ تألیف این اثر - ۷۲۰ هـ ق (نیز، برگ ۳۱۹) - با تاریخ وفات سلطان ولد ناسازگار است. عنوان دقاق الحقائق در پایان مقدمه منظوم ذکر شده است (برگ ۱۱۹ الف ۱-۱۱). با وجود این، برخی منابع نام آن را حقائق الدقاق یا دقاق و حقائق ضبط کرده اند. اختلاف دیگری نیز در برگ ۱ ب نسخه فروزانفر که اکنون در کتابخانه مرکزی به شماره ۸۵۳۸ نگهداری می شود، به چشم می خورد. در این نسخه چنین می خوانیم: «آن نسخه خطی که نسخه حاضر از آن برگرفته شده است عنوان حقائق و دقاق را دارد، اما در واقع آن شقائق دقاق است، الله اعلم...». از آنجا که این عنوان در جای دیگری نیامده است، می توان با اطمینان خاطر آن را نادرست دانست؛ علاوه بر آن، معنی آن نیز روشن نیست.

با آنکه تصمیم گیری درباره عناوین بالا، براساس اطلاعات موجود در نسخه های خطی و فهرست ها غیر ممکن است، ما دلیل متقنی برای ترجیح نام دقاق الحقائق در اثر دیگر احمد رومی، الدقاق فی الطریق یافته ایم؛ در این اثر بارها، نام دقاق الحقائق آمده است (مثلاً برگ ۱۲ ب، ۱۵۱ ب). بدین دلیل و نیز برای سهولت کار، از این پس ما عنوان دقاق الحقائق را به کار می بریم. بررسی نسخه های موجود، در پیوست همین مقاله آمده است. علاوه بر فهرس نسخ خطی و آثار برگل و فروزانفر که در بالا بدانها اشاره شد، دقاق الحقائق فقط یک بار در مقاله تحقیقی الکساندر فون کگل در مجله ZDMG (شماره ۶۰، سال ۱۹۰۶، ص ۵۹۰ به بعد) ذکر شده است. هدف این مقاله تصحیح اطلاع مربوط به حقائق و دقاق در فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس (پاریس، ۱۹۰۵، جلد ۱، ص ۹۶، شماره ۱۴۳) تألیف بلوشه است.<sup>۷</sup>

بلوشه مقدمه ای به دست نداده است، اما آغاز فصل اول (حدیث الشریعة اقوالی و...) با بخش اول

۵. هم نقل قولهای دقاق الحقائق از مجموعه نسخ خطی Warn ۱۰۶۸/۲، گرفته شده است که در کتابخانه دانشگاه لیدن نگهداری می شود (قس: Catalogus Codicum Orientalium, vol. v/p41).

6. Alexander von Kégl, "Zu Blochet, Catalogue des Manuscrits Persans", ZDMG (Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft), No 60, 1906, P590-592.

7. E. Blochet, Catalogue des Manuscrits Persans de la Bibliothèque Nationale, vol 1 (Paris 1905) p. 96, No 143.

دقائق الحقائق، که در اختیار ماست، مطابقت دارد. به هر حال، به دلایلی که برای من روشن نیست، بلوشه افزوده است: «این اثر از قرار معلوم با حقائق الدقائق احمد رومی که در فهرست نسخ خطی ریو توصیف شده است<sup>۸</sup>، فرق دارد» (جلد ۱، ص ۳۹).

این گفته بی‌گمان درست نیست، زیرا نسخه‌ای که ریو وصف کرده عیناً همان نسخه شماره ۱۴۳ در فهرست بلوشه است. الکساندر فن کگل نیز به همین نتیجه می‌رسد، اما مقاله او تا حدی مغشوش است. او بر مبنای پاره‌ای ملاحظات که در نسخه‌ای شخصی آمده است، نتیجه می‌گیرد که حقائق و دقائق بلوشه عنوان یک کتاب نیست، بلکه عنوان دو کتاب است که هر دو به یک موضوع می‌پردازند، و مؤلف هر دو نیز احمد رومی است. عنوان یکی از آنها کتاب الحقائق است که باید همان دقائق الحقائق ما باشد و دومی به نام کتاب الدقائق که کاملاً اثری مجزا و متفاوت است. در صفحه ۵۹۱، سرآغاز کتاب الدقائق را چنین می‌آورد:

ابتدا کردم به نام آنکه او گل دهد از تیره گل بارنگ و بو<sup>۹</sup>

و سپس به منظور تعیین هویت و شخصیت مؤلف اشعار دیگری را نقل می‌کند:

زین سبب جهدی نمودم ای کرام من که هستم احمد رومی به نام

در میان ابیاتی که فن کگل نقل می‌کند، یک بیت در خور تأمل وجود دارد.

نام نهادم معارف با کتاب درج در وی نص و راحت لباب<sup>۱۰</sup>

این بیت، این نظریه را به من القا می‌کند که ممکن است عنوان حقائق و دقائق در نسخه فن کگل خلطی از جانب ناسخ باشد، و احتمالاً عنوان دقائق الحقائق یا یکی از عنوانهای مشابه، مثلاً حقائق و دقائق، سبب

8. C. H. Rieu, *Catalogue of The Parsian Manuscripts in the British Museum*, vol 1 (1966) p. 39-40.

۹. بقیه ابیات:

گاه آرد از عدم ما را وجود	گاه دهد با روح و جسم اوتار و بود
گاه سازد طفل ما را گه جوان	گاه کند پیر و خفیف ناتوان
گاه کند احیای خود را او ممات	گاه ممات رفته را بدهد حیات
گاه سازد قبر را حبس جسد	گاه محشر آورد بر نیک و بد

(فن کگل، ۵۹۱)

۱۰. فن کگل (ص ۵۹۲) آورده است:

نام نهادم معارف با کتاب درج در وی نص و راحت لباب

اشتباه ناسخ و پدید آمدن آن دو نام شده باشد. اثری که فن کگل آن را کتاب الدقائق خوانده، باید کتاب المعارف و یا چنانکه به زودی خواهیم دید ام‌الکتاب باشد، اما در هر صورت کتاب الدقائق نیست. اثبات این امر چندان دشوار نیست. اگر فن کگل به فهرست بلوشه (جلد ۱، ص ۲۸، شماره ۴۴) مراجعه می‌کرد، حتماً با یک نسخه خطی با عنوان ام‌الکتاب مواجه می‌شد که احمد رومی آن را، به صورت شرح و توضیح ۴۰ حدیث و آیه قرآن، تألیف کرده است.<sup>۱۱</sup>

تمامی عبارات نسخه فن کگل، مگر یک بیت که عنوان کتاب در آن ذکر شده، در ام‌الکتاب موجود است، لذا تردیدی نیست که هر دو یکی است. اکنون با توجه به اینکه این اثر در سال ۷۲۷ هـ ق (برگ ۱۶۳ ب ۸۱) تألیف شده است و - چنانکه پیش از این اشاره شد - عنوان دقائق الحقائق بارها در اثر دیگر احمد رومی یعنی الدقائق فی الطریق که احتمالاً در سال ۱۲۷۲۵ هـ ق تألیف شده، آمده است و نیز از آنجا که دقائق الحقائق به عنوان اثری واحد شامل ۸۰ فصل توصیف شده است، نه به عنوان ترکیبی از کتاب حقایق و کتاب دقایق که به ترتیب شامل ۸۰ و ۴۰ فصل اند،<sup>۱۲</sup> لذا فکر می‌کنم دلایل قاطعی در دست داریم که نادرستی سخنان فن کگل را نشان می‌دهد. تصمیم‌گیری درباره عنوان صحیح این اثر بسیار دشوار است. شمار قابل ملاحظه‌ای از نسخه‌های خطی معارف احمد رومی، در اتحاد جماهیر شوروی (USSR) یافت شده است، اگر ثابت شود که این اثر همان ام‌الکتاب است، آنگاه به راحتی می‌توان پذیرفت که عنوان اصلی معارف بوده، و اگر نسخه معارف روسی ترکیب متفاوتی با سایر نسخه‌ها داشته باشد، عنوان ام‌الکتاب احتمالاً صحیح خواهد بود.

در ادامه این بحث به دلائلی که در نفی و اثبات این نظر ارائه شده است می‌پردازیم. در فهرست الفبایی نسخه‌های خطی<sup>۱۴</sup> که هیئت اعزامی به منطقه مستقل گرنو بدخشان (بدکشان) آن را در فاصله

۱۱. ذیل فارسی. ص ۱۱۵، موزخ محرم ۹۹۰ هـ ق. که در ساردین استنساخ شده است: ۱۶۵ برگ. ماسینیون در *Bibliographie Hallagienne*، پاریس ۱۹۲۰، ص ۴۷ و در "La Légende de Hallacé Mansur en pays Turcs" در مجله *Revue des Études Islamiques* ۱۹۴۶-۱۹۴۱، ص ۱۱۱، از این توصیف نادرست که بر اساس آن اثر یاد شده مجموعه‌ای مشتمل بر ۴۰ حدیث به شمار آمده، پیروی کرده است. در کتاب ماسینیون از ام‌الکتاب («شرح اربعین»)، در فصل مربوط به تحول افسانه حلاج در مولویه، نقل قول شده است.

۱۲. نگاه کنید به: بنی بخش قاضی، در بحث‌های بیست و هفتمین کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسان ( *Proceedings of the 27th International Congress of Orientalists, Ann Harbor, 1967, Wiesbaden, 1971, p. 279* ).

۱۳. نسخه دقائق فن کگل نیز - چنانکه در بی‌تی که خود او نقل کرده آمده است - ۴۰ فصل دارد، همانجا، ص ۵۹۱.

14. *Alphabetic Catalogue of MSS found by 1959-1963 Expedition in Gorno-Badakshshan Autonomous Region.*

۱۹۶۳-۱۹۵۹ تألیف کرد و ب. گ. غفوروف و ای. ام. میرزایف در سال ۱۹۶۷ م به چاپ آن در مسکو همت گماشتند، از اثری به نام معارف الاسرار یا معارف تألیف احمد رومی «استاد جلال الدین رومی» یاد شده است.<sup>۱۵</sup> این اثر به عنوان متنی منظوم و منثور و در قالب شرح آیات، احادیث و سخنان مشایخ صوفیه، شامل ۴۰ فصل، توصیف شده است. متأسفانه در سر آغاز کتاب مقدمه‌ای نیامده. در فهرست آن، نام بزرگانی از جمله عبدالله مغربی، جلال الدین رومی و عین القضاة ذکر شده است. توصیف این اثر تا اینجا با ام‌الکتاب مطابقت دارد، با این همه برخلاف ام‌الکتاب، بخشهای منثور معارف به نثر مسجع است. گفته‌اند که معارف با یک مثنوی در بحر هزج آغاز شده است نه در بحر رمل، چنانکه در ام‌الکتاب آمده است. از آنجا که امکان دستیابی به عکسی از این نسخه روسی فراهم نیامده است، این مسئله برای ما غیر قابل حل باقی می‌ماند. به هر حال، در این مقاله صرفاً به منظور سهولت عنوان ام‌الکتاب را به کار برده‌ایم.

ساختار و ترکیب ام‌الکتاب تقریباً شبیه ترکیب و ساختار دقائق الحقائق است و فقط در چند مورد با هم اختلاف دارند. از میان ۴۰ فصل آن کتاب فقط ۶ فصل است که به جای آیه و یا حدیث با سخنانی از مشایخ و بزرگان صوفیه آغاز شده و فصل ۱۷ با مقابله دیدگاههای معتزله و اهل سنت در باب مخلوق بودن قرآن شروع شده است. معمولاً یک غزل کامل از جلال الدین مولوی در بخش منثور آمده است و از آن غزل یک بیت با عبارت «مقصود در این غزل این بیت است» مشخص شده است. برخی از فصول این کتاب شامل یک قصیده یا مثنوی (در قالب سؤال و جواب) از خود احمد رومی است. پس از بخش منثور، حکایتی در قالب مثنوی (بحر رمل) و در اندازه‌های مختلف آمده و در پایان آن ابیاتی از مثنوی معنوی نقل شده است.

سر آغاز (بعد از بسم الله) چنین است: «الحمد لله رب العالمين والصلاة على خير خلقه محمد وآله و

۱۵. تاریخ این نسخه نامرغوب و ناقص ۹۱ برگه، ۱۲۱۴ هـ ق است که احتمالاً تاریخ نسخه‌ای است که از روی آن استنساخ شده است. دیگر نسخه‌های خطی معارف احمد رومی در شوروی عبارتند از: نسخه تاشکند، نگاه کنید به: *Sobranie Vostochnykh Rukopisei Akademii Nauk Uzbekskoj SSR*, ed. A. A. semenov, vol III (Tashkent, 1955), p. 209 no 2251 (18th Cent. A. D).

دیگری نسخه لنینگراد، نگاه کنید به:

*Kratkij Alfab, Katalog (Pesidskije i Tadžikskije Rukopisi Instituta Narodov Aziji an SSR, O, F Akimushkin a.o.)*

(کذا) با عنوان دقائق معارف

Moscow, 1964, p. 156 nos. 1063 (A 858) and 1064 (C 1491).

صَحْبُهُ اِجْمَعِينَ» (برگ ۲، ب ۱-۱) و به دنبال آن حمدی منظوم آمده است:

ابتدا کردم به نام آنکه او گل دهد از تیره گل بارنگ و بو

در اشعاری که در مقدمه نسخه فون کگل آمده<sup>۱۶</sup>، پس از حمد، نام مؤلف نیز دیده می شود. معهدا به جای بیت مذکور در فوق که عنوان معارف در آن آمده، در نسخه پاریس چنین می خوانیم:

نام بنهادم ورا امّ الکتاب درج در وی نصّ و اخبار ای لباب

مقدمه همراه با فهرستی از مطالب پایان می یابد. بخش اول با آیه ای از قرآن (سوره اعراف، آیه ۵۴) آغاز می شود.

اکنون به بحث درباره اثر دیگری با عنوان الدقائق فی الطریق می پردازیم که ماهیت کاملاً متفاوتی دارد. از این اثر، تاجایی که می دانم دو نسخه موجود است. اولین نسخه در قاهره، دارالکتب به شماره ۵۹ نگهداری می شود.<sup>۱۷</sup>

سرآغاز آن (بعد از بسم الله) چنین است: «الحمد لله رب العالمین، و الغفران للمتقین و العدوان الأعلی للظالمین»<sup>۱۸</sup> (برگ ۱ ب ۱-۲). تحت عنوان «در توحید باری تعالی» یک بیت می یابیم:

ابتدا کردم به نامت داستان ای و رای وصف های واصفان

بعد از تمحیدیه، ستایش پیامبر (ص) آمده است (برگ ۳ الف ۱-۱). صرف نظر از عنوانهای منشور و آنچه از آیات و احادیث و سخنان امیرالمؤمنین و مشایخ صوفیه نقل شده، پیکره متن از مثنوی در بحر رمل تشکیل شده است. مؤلف در فصل ۴ الف ۱-۳ از خود نام برده است:

احمد رومی است نام و نسبتم سال پنجاه است اندر غربتم

و در برگ ۴ الف و ب، فهرستی منظوم از محتویات کتاب دیده می شود، و در پی آن ابیاتی کلی و مقدمه گونه آمده که در آن عنوان کتاب را می یابیم (برگ ۵ الف ۱-۳):

۱۶. امّ الکتاب، برگ ۳ ب ۱-۱۶، فون کگل، ص ۵۹۱-۵۹۲.

۱۷. قس: فهرس المخطوطات الفارسیة، جلد ۱ (قاهره، ۱۹۶۶ م) ص ۱۴۴، شماره ۵۸۹، ۱۷۷ برگ، بی تا (احتمالاً سده ۱۰ هـ ق).

۱۸. به احتمال «والعدوان علی الظالمین» بوده است. - م.

با رساله نام بنهادم چه نام الدقائق فی الطريق ای کرام<sup>۱۹</sup>

بعد از عنوان «در بیان آنکه خلائق بر چهار نوعند» (برگ ۵ ب) شرحی از مراتب چهارگانه انسانی در میان آمده که روی سخن این تألیف با عالی ترین آنها یعنی خاص الخاص است. باب نخست (در بیان جوهر ایمان) در ورقه ۶ الف ۱-۱ شروع شده است. چندین افتادگی در متن وجود دارد، به ویژه در باب ۴ فصل ۱-۷ مقفود شده است. این متن به طور ناگهانی در برگ ۱۷۱ ب پایان می یابد. فصل ۹ باب ۱۲ سخت آسیب دیده است و متأسفانه این آخرین فصل از آخرین باب است.<sup>۲۰</sup> به هر حال بخش مقفود شده درخور توجه نیست.

متن قاهره کیفیت مطلوبی ندارد. ظاهراً کاتب ترک بوده است و این امر از تعلیقات ترکی او و موارد متعددی از تلفظهای ترکی در سرتاسر متن<sup>۲۱</sup>، آشکار است. با این همه، بخشهای منظوم کتاب دقایق الحقائق و ام الکتاب چندان عالی و مطلوب نیست. بی تردید، فراوانی ابیات ناموزون در الدقائق فی الطريق، (ظاهراً) ناشی از عدم تسلط کاتب بر زبان فارسی است. لازم است به نسخه ای دیگر از این اثر اشاره کرد که در مقاله پروفیسور قاضی نبی بخش، تحت عنوان «نسخه ای نادر از دقایق الطريق مثنوی فارسی از احمد رومی» توصیف شده است، این مقاله در مجموعه مقالات بیست و هفتمین کنگرس بین المللی شرقشناسان<sup>۲۲</sup> آمده است.

احتمالاً، بخشی از آغاز نسخه قاضی ناقص است، زیرا به گفته او آن نسخه فاقد تحمیدیه و مدح پیامبر اکرم (ص) است، حال آنکه نسخه قاهره این هر دو را داراست. الدقائق فی الطريق ساختاری همانند سایر آثار احمد رومی ندارد. کتاب شامل ۱۲ باب است که هر یک از چندین فصل متفاوت تشکیل شده است. بابها و فصلها با عباراتی از قرآن و حدیث آغاز نشده بلکه هر فصل با سرآغازی به نثر آغاز می شود که شامل یک عنوان، خلاصه ای از حکایات فصل (در صورت دارا بودن) و نیز

۱۹. مصرع دوم تقطیع نمی شود. پروفیسور، ف. مایر بازل (Meier of Basel) (در یک صحبت خصوصی در تاریخ ۱۹۷۳/۴/۲۷ م) عنوان الدقائق فی الطريق را پیشنهاد کرد.

۲۰. در آغاز باب ۱۲ می خوانیم که: در این باب نه فصل است. الدقائق فی الطريق برگ ۱۵۸ الف ۶-۱.

۲۱. به عنوان مثال، هرگز به جای واژه هرگز (برگ ۶۶، ۱۳-۱) نوافیل به جای واژه نوافیل (برگ ۶۵ ب ۸-۱) مرشید به جای مرشد (برگ ۲۳ الف، ۴-۱، ۳۱ الف ۱). این تلفظها به ویژه در جمعهای بر وزن دقایق، حقایق (برگ ۱۵۱، ۶-۱) رفایق (برگ ۵ الف ۹-۱ و جاهای دیگر) رایج است.

22. "A rare Manuscript of Daqâ'iq at-Tariq a Persian mathnawi by Ahmad-e Rûmî", in the Proceedings of the 27th International Congress of Orientalists, Ann Harbor, 1967 (Wiesbaden, 1971), p. 279 f.



شماری از ابیات است. بخش منظوم با بهره‌گیری از آیات قرآن، احادیث - البته تا حدی کمتر از دیگر آثار احمد - و مثنوی معنوی، برخی مبانی نظری را شرح می‌دهد و معمولاً حکایاتی توضیحی نیز در شرح آن می‌آورد. بخش منظوم هر فصل، با یک یا دو بیت، به‌عنوان نتیجه و خلاصه آنچه پیش از آن ذکر شده (زین بیان مقصودم این است) و نیز اشعاری از مثنوی، پایان می‌یابد.

باید توجه کرد که هر سه اثری که در اینجا توصیف کردیم اشعار مشترکی دارند و همچنین آیات و احادیث و موضوعات و حکایات نیز بسیار مشابه است. اما در حالی که دقاق الحقایق و ام‌الکتاب به نظریه عرفان و اصول صوفیه پرداخته‌اند، الدقاق فی الطریق عمدتاً به جنبه عملی زندگی صوفیه نظر دارد.

علاوه بر آثار آموزشی و تعلیمی احمد رومی، نمونه‌ای از اشعار غنایی او را نیز سراغ داریم: در برگ ۴۰ ب نسخه خطی مثنوی معنوی موجود در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ غزلی از احمد رومی مرید حضرت مولوی می‌یابیم.<sup>۲۳</sup> این غزل از میان سایر آثار شعری احمد از فصاحت بیشتری برخوردار است، و نیز شباهت چشمگیری با غزلیات جلال‌الدین و سلطان ولد دارد. تخلص سراینده این غزل احمد است، و براساس این یک بیت، اثبات اینکه غزل از احمد رومی است، ناممکن می‌نماید. و تا زمانی که اطلاعات بیشتری به دست نیامده، ناچاریم که بر اطلاعات و دلایل کاتب اعتماد کنیم.<sup>۲۴</sup> وزن آن غزل، هزج مثنی‌اخر است (مفعول، مفاعیل، مفاعیل فعولن؛ مصرع اول: - مفعول مفاعلن مفعول فعولن)، متن کامل غزل چنین است:

سرخاک ره آن کف پا شد چه به‌جا شد	خاک کف پایش سر ما شد چه به‌جا شد
باشد سرما خرده خاک از ستم او	در کوی تو همراه صبا شد چه به‌جا شد
دود دل من حلقه زد و رفت به افلاک	دود دل من حلقه‌نما شد چه به‌جا شد
از خون دلم بست حنا بر سر انگشت	خون دلم انگشت‌نما شد چه به‌جا شد
چون لاله پرخون به گلستان محبت	داغ تو نصیب دل ما شد چه به‌جا شد

۲۳. نگاه کنید به:

*The Descriptive Catalogue of the Arabic and Persian Manuscripts in Edinburgh University Library*, ed. M. Hukh, H. Ethé and E. Robertson (Hertford, 1925), p. 250, no. 182.

تاریخ کتابت آن نسخه، ۸۹۲ق/۱۴۸۶م است، آن غزل نیز به خط خود ناسخ مثنوی کتابت شده است.

۲۴. تعدادی از قصاید احمد در ام‌الکتاب فاقد تخلص است، با این ویژگی که معمولاً در مقطع این قصاید وزن شعر به‌طور کامل نوشته شده است، مانند: فصل ۲۵ (برگ ۱۰۶ ب ۱-۱۴)

گر تو صاحب‌دلی بیا بگشا

فاعلان مفاعلن فعولن

ای احمد اگر کفر نبودی به شریعت گفتم بت من جای خدا شد چه به جا شد

چندین مجموعه مجهول المؤلف از اشعار فارسی با تخلص احمد وجود دارد و جالب است اگر احمد رومی سراینده برخی از آنها باشد. مثلاً احمد آتش در کتاب آثار منظوم فارسی<sup>۲۵</sup> (استانبول، ۱۹۶۸)، جلد ۱، ص ۳۷۱، شماره ۵۶۶، غزلی فارسی از شخصی با نام احمد ذکر کرده که به نظر می رسد از جمله مجموعه غزلیات مولوی باشد.<sup>۲۶</sup> گولپیناری نیز یک مخمس ترکی با تخلص احمد رومی در ملائیه و ملامتیان<sup>۲۷</sup> (استانبول، ۱۹۳۱ م)، ص ۸۷ آورده است (گولپیناری حدس زده است که سراینده آن ممکن است اخی سرلی احمد رومی، شیخ خلوتیه، باشد<sup>۲۸</sup>).

### شرح حال احمد رومی

پس از بررسی آثار به جا مانده از احمد رومی، اکنون به بحث از اخباری که در شرح احوال او به دست آمده می پردازیم. شرح حال نگاران مولوی، چون افلاکی، سپهسالار، ثاقب دده و اسرار دده، از او ذکری به میان نیاورده اند و حتی دیگران، در تذکره های عمومی تر، نیز از وی سخنی نگفته اند. بلوشه<sup>۲۹</sup> ام الکتاب را به احمد بن محمد رومی حنفی متوفی ۷۱۷ هـ ق نسبت داده است (حاجی خلیفه... جلد ۴، ص ۵۸۲). این از لحاظ تاریخی غیر ممکن است، مگر اینکه تاریخی را که حاجی خلیفه به دست داده، نادرست بدانیم.<sup>۳۰</sup> در جهت تأیید این مطلب باید اثر دیگر احمد یعنی القول الاصبی فی الحکم بالصحة والموجب مطالعه گردد (بروکلمان، ذیل، جلد ۲، ص ۳۱۳، نسخه کتابخانه زیتونیه تونس، جلد چهارم، ۲۳۵).

شواهد و دلایلی ضمنی در تأیید نظریه بلوشه، مبنی بر احتمال حنفی بودن احمد رومی مورد بحث ما

25. A. Ateş, *Farsça Manzum Eserler*, (Istanbul, 1968), I, p. 371, no. 566.

۲۶. نور عثمانیه ۴۹۰۴، شامل گزیده هایی از مثنوی و غزلهای مولانا و سلطان ولد. من به خاطر آن اطلاعات و نیز به خاطر پیشنهادها و نظریات ارزشمند همکار دانشمندانم، مدیون آقای ح. ت. پ. د. بووین از دانشگاه لیدن هستم.

27. *Melâmîlik ve Melâmîler*

۲۸. غزلی نیز با تخلص احمد در دیوان کبیر، چاپ فروزانفر، جلد ۴ (تهران ۱۳۳۹ ش)، شماره ۱۷۰۰ ص ۴۳-۴۴ موجود است که بخشی است از غزلی سروده سلطان ولد. قس: چاپهای اصغر حامد ربانی (تهران، ۱۳۳۸ ش) ص ۲۲۴ به بعد، شماره ۴۰۸ و ف. نافذ اوزلوک (آنکارا، ۱۹۴۱ م)، ص ۱۶۶، شماره ۲۷۴. البته بیٹی که در آن تخلص احمد آمده مقطع غزل نیست. نسخه فروزانفر فاقد دو بیت است، که بیت آخر دارای تخلص ولد است.

29. *Catalogue des MSS Persans*, I/28.

۳۰. ام الکتاب، در ۷۲۷ هـ ق تألیف شده است (برگ ۱۶۳ ب ۸۱).

وجود دارد. او در بحث از مسائل مربوط به فقه و کلام بارها همچون نمایندهٔ چیره‌دستی از مذهب حنفی جلوه می‌کند. مثلاً، در فصل ۴۰ دقائق الحقائق در بحث از صدق ایمان، عبارتی مناسب از وصیه ابوحنیفه نقل کرده است.<sup>۳۱</sup> و در ادامهٔ بحث، در پاسخ به این سؤال که آیا اعمال شخص رکن اساسی ایمان اوست، احمد آشکارا موضع منفی حنفیان را اتخاذ کرده است. این موضوع در ام‌الکتاب نیز به گونه‌ای مشابه مورد بحث قرار گرفته است. در این باره نمونه‌های دیگری نیز می‌توان ارائه داد. نکتهٔ مهم اینکه از ابوحنیفه با عنوان امام اعظم یاد می‌کند. ماسینیون در «منصور حلاج در سرزمین ترکها»<sup>۳۲</sup>، ص ۱۱۱، احمد رومی را با پسر بزرگ سلطان ولد، یعنی مظفرالدین احمدپاشا (متوفی حدود ۷۴۰ هـ ق / ۱۳۴۰ م) یکی دانسته است (نگاه کنید به: افلاکی، جلد ۲، ص ۸۹۸، ۹۹۷). معهذاً، اگر احمد پاشا مؤلف آثار یاد شده باشد، احتمال آن ضعیف است که از خودش به‌عنوان مرید مولانا یاد کند (نک: ص ۲۴۰ همین مقاله) و هیچ اشاره‌ای به نسب شریف خود نکند.

حاجی خلیفه از چند مؤلف دیگر به‌نام احمد رومی یاد کرده است. از لحاظ تاریخی ناممکن است که احمد رومی مورد نظر ما با احمد رومی حاجی خلیفه (حاجی خلیفه، جلد ۳، ص ۱۹۸-۱۹۹ شماره ۴۹۱۱، ص ۴۵۴، شماره ۶۴۱۳ و جلد ۵، ص ۳۸۰، شماره ۱۱۳۷۸) و احمد رومی آق حصار (که حاجی خلیفه در جلد ۱، ص ۲۴۹-۲۵۰، شماره ۴۸۵، جلد ۳/ص ۳۸۲ شماره ۶۰۶۱، آورده) یکی باشند (نظر قاضی<sup>۳۳</sup>، مبنی بر اینکه این دو احمد یکی هستند، حدس و گمانی بیش نیست، زیرا اطلاعات بروکلیمان بر کشف الفنون حاجی خلیفه مبتنی است). آنچه حاجی خلیفه، جلد ۳، ص ۴۰۰ (شماره ۶۱۳۷) دربارهٔ احمد سوم، معروف به ابن‌المدرّس آورده هیچ نکته‌ای را روشن نمی‌سازد. دربارهٔ حقائق الدقائق که حاجی خلیفه (جلد ۳، ص ۷۸، شماره ۴۵۵۵) اشاره کرده چیزی بیش از این دانسته نیست.<sup>۳۴</sup> بنابراین به نظر می‌رسد که برای شرح احوال احمد رومی باید کاملاً به آثار خود او تکیه کنیم.

۳۱. «الایمان اقرار بالاسلام والتصدیق بالقلب» که سطر آغازین وصیه ابی‌حنیفه است. قس:

Wensinck, *The Muslim Creed* (London, 1932), p. 125.

32. Massignon, *Hallacé Mansur en Pays turcs*, p. 111.

۳۳. هانجا، ص ۲۷۹.

۳۴. گهگاه دقاق الحقائق احمد رومی با دقاق الحقائق ترکی، تألیف کمال پاشازاده احمد چلبی افندی (متوفی ۹۴۰ هـ ق ۱۵۳۳ م) خلط شده است. به‌خصوص نگاه کنید به: منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد ۱ (تهران، ۱۳۴۸ ش)، ص ۴۹، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ دهخدا (شماره ۴۵). گفتهٔ منزوی مبنی بر اینکه این نسخهٔ خطی در این کتابخانه با اثر کمال پاشازاده فرق دارد، درست نیست.

دقائق الحقائق در سال ۷۲۰ هـ ق تألیف شده است، چنانکه در فصل ۸۰ دقائق الحقائق می خوانیم: «این زمان که از تاریخ حضرت مصطفی ... هفتصد و بیست سال است»<sup>۳۵</sup>، و در بیتی آورده است:

بود عشرين سبعمائه سال تمام کاین رساله در عوض شد انتظام<sup>۳۶</sup>

ام الکتاب در ذوالحجه سال ۷۲۷ هـ ق نوشته شده است:

سبعمائه و سبع عشرين شد تمام این رساله ماه ذی الحجه ای کرام<sup>۳۷</sup>

قاضی تاریخ تألیف دقائق فی الطریق را سال ۷۲۵ هـ ق / ۱۳۲۵ م ذکر کرده است.<sup>۳۸</sup> من نتوانستم این تاریخ را در نسخه ناقص قاهره بیابم. در هر حال، چنانکه پیش از این دیدیم (ص ۲۳۲) این اثر بعد از دقائق الحقائق تألیف شده است. احمد رومی در زمان تألیف الدقایق فی الطریق ۵۰ ساله بوده است:

احمد رومی است نام و نسبتم سال پنجاه است اندر غربتم<sup>۳۹</sup>

در فهرست الفبائی نسخه‌های خطی یافته شده در فاصله سالهای ۱۹۵۹-۶۳، در صفحه ۹۴، سال تقریبی وفات احمد رومی را ۲-۷۵ هجری ذکر کرده است، ولی معلوم نیست که این حدس بر چه اساسی زده شده است. با توجه به نسبت «رومی»، می توان حدس زد که زادگاه او آسیای صغیر بوده است.

خواننده انتظار دارد که در آثار او نام قونیه، مرکز طریقت مولویه، را بیابد، اما تنها شهر ترکیه که نامش در آثار احمد رومی آمده علان<sup>۴۰</sup> است، که آن نیز زادگاه او نبوده بلکه احمد رومی در یکی از سفرهایش از آنجا عبور کرده است. این سفرها سرانجام او را به هند کشاند، و در آنجا در شهری به نام عوض سکنی گزید. آنجا بود که دو کتاب دقائق الحقائق<sup>۴۱</sup> و الدقائق فی الطریق<sup>۴۲</sup> را تألیف کرد. این بطوطه،<sup>۴۳</sup> عوض را به عنوان شهری در شرق رود گنگ و در نزدیکی لکهنو و ظفرآباد معرفی کرده

۳۵. دقائق الحقائق، برگ ۳۱۸ ب ۱-۱۰.

۳۶. دقائق الحقائق، برگ ۳۱۹ ب سطر آخر. در مورد «عوض»، نگاه کنید به اندکی پایین تر.

۳۷. ام الکتاب، برگ ۱۶۲ ب ۸-۱.

۳۸. همانجا، ص ۲۷۹.

۳۹. الدقائق فی الطریق، برگ ۴، الف ۳-۱.

۴۰. الدقائق فی الطریق، برگ ۳۷ الف ۱-۱۱.

۴۱. دقائق الحقائق، برگ ۳۱۸ ب ۱-۱۰.

۴۲. الدقائق فی الطریق، برگ ۴ الف ۵-۶.

۴۳. رحله، چاپ دفرمری سانگینی (پاریس، ۱۹۱۴ م)، جلد ۳، ص ۳۴۲.

است. یاقوت این کلمه را عوض خوانده که «شهری دور از ما و در هند مرکزی» است.<sup>۴۴</sup> قاضی (ص ۲۷۹) آن را اودهه<sup>۴۵</sup> پنداشته که مسلماً استان (ایالت) اودهه نمی‌تواند مورد نظر باشد. زیرا، ابن بطوطه، یاقوت و ام‌الکتاب، عوض را نام شهر دانسته‌اند.<sup>۴۶</sup> علاوه بر آن، نام ایالت اودهه، از ایوده‌ها<sup>۴۷</sup> گرفته شده است (قس: دایرةالمعارف اسلام، مدخل فیض آباد، جلد ۲، ص ۸۷۰ الف) که ایوده‌ها خود نام شهری است.<sup>۴۸</sup>

با توجه به آنچه در فصل ۳۲ ام‌الکتاب<sup>۴۹</sup>، در بخش مربوط به فضایل خلوت و عزلت می‌خوانیم، احمد رومی، در هند از چنان شهرتی برخوردار شد که پادشاه هندوستان او را به دربار خود فراخواند. احمد رومی دعوت پادشاه را رد کرد و پوزش خود را در قصیده‌ای شامل ۴۸ بیت به همراه فرستاده پادشاه ارسال داشت. متن کامل قصیده در این کتاب آمده است. واقعه دیگری مشابه با این در فصل ۲۳ همین اثر وجود دارد.<sup>۵۰</sup> احمد در فصلی در ارتباط با ضرورت پرهیز از همنشین بد و فاسد، اظهار می‌دارد که چگونه پادشاه بنگال - به دلایل مشابه - او را دعوت کرد و چگونه او از اجابت دعوت سرباز زد. سرانجام احمد در همین ایالت، از طرف آن پادشاه و اطرافیانش متحمل رنج بسیار گردید و به همین سبب بود که قصیده‌ای طولانی شامل ۱۰۱ بیت به دوستانش نوشت. او بارها از دشمنی و حسادت علما و برخی بزرگان شکوه و شکایت کرده است<sup>۵۱</sup> و همین حسادتها بود که سبب شد کتاب دقائق الحقائق بارها به سختی مورد حمله قرار گیرد.<sup>۵۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴۴. یاقوت، معجم البلدان، چاپ وستفالد (لایپزیگ، ۱۸۶۸ م)، جلد ۳، ص ۷۴۶.

45. Oudh

۴۶. ام‌الکتاب، فصل ۳۳، برگ ۱۳۷، الف سطر ماقبل آخر.

47. Ayôdhyâ

۴۸. اودهه معمولاً اوده تلفظ می‌شود (یعنی با د ملفوظ: همزه، واو، دال، هاء) قس:

Platts' Dictionary of Urdu, Classical Hindi and English, (Oxford, repr, 1968), p. 103 b; Storey, Persian Literature, vol. I, p. 703, n. I; Rieu, Catalogue, vol. III, 962 b, 963 a.

نیز نگاه کنید به: حمید قلندر، خیرالمجالس (چاپ ک. آ. نظامی، علیگره، ۱۹۵۹ م)، ۱۱۸-۱۱۹. و بسیاری جاهای دیگر به نظر می‌رسد که عوض شکل معرب آن باشد.

۴۹. ام‌الکتاب، برگ ۱۳۱ ب، به بعد.

۵۰. ام‌الکتاب، برگ ۹۷ الف به بعد.

۵۱. ام‌الکتاب، فصل ۳۲، برگ ۱۳۴ الف به بعد، فصل ۳۳، برگ ۱۳۷ الف به بعد.

۵۲. الدقائق فی الطریق، فصل ۱۲ برگ ۱۵۱ ب به بعد.

## احمد رومی و مولانا

احمد رومی آثارش را به درخواست مریدان صوفی نگاشته<sup>۵۳</sup> که از آنها با عنوان شاگردان یاد می‌کند.<sup>۵۴</sup> محل اجتماع آن مریدان در خانقاه صوفیه بوده است. او برای استفاده آنها، کتابی درباره آداب و اعمال صوفیه با عنوان *الدقائق فی الطريق تألیف کرد*. با این حال باید توجه داشت که گرچه احمد رومی، آشکارا خود را مرید مولانا خوانده<sup>۵۵</sup>، اما به معنی دقیق کلمه در شمار مولویان نبوده است.

چنانکه بعداً خواهیم دید، دستورالعملهای او برای سازماندهی زندگانی صوفیان در خانقاه منحصرأً منبعث از تعالیم مولویه نبوده است. در واقع به نظر می‌رسد که او ارتباط مستقیمی با تشکیلات سلسله مولویه نداشته است. و در آثارش نیز هیچ اشاره‌ای به مرجعیت روحانی ملا چلبی در قونیه و یا دیگر افراد برجسته مولویه معاصر او، نشده است.

اگر احمد را عارف سلسله مولویه می‌خوانیم، بدین سبب است که او جلال‌الدین مولوی را یگانه مرشد خود در طریقت خوانده است. احمد مرید مولانا، و مولانا - به طریق اویسیان - شیخ اوست.<sup>۵۶</sup> در نظام مرید و مرادی، اطاعت بی‌چون و چرای مرید از شیخ اصلی لازم و ضروری است، تا آنجا که سخنان شیخ باید همچون مرجع و مأخذی مستند و برابر با قرآن و حدیث، پذیرفته شود.<sup>۵۷</sup>

۵۳. قس: *دقائق الحقائق* برگ ۱۱۹ الف ۶-۱؛ *الدقائق فی الطريق*، برگ ۴ الف ۱، ۷، ۸ و ۴ الف ۸-۱ به بعد؛ *ام‌الکتاب*، برگ ۳ ب، سطر آخر؛ نیز نک: *ام‌الکتاب*، فصل ۵ و فصل ۶؛ این ویژگی کلی آثار تعلیمی صوفیه است و در واقع رساله به‌طور کلی، همچنین *لب‌اللباب* مثنوی از واعظ کاشفی، به کوشش تقوی، ص ۱، ۱۹-۱ به بعد؛ *مرصاد العباد*، نجم‌الدین دایه، ص ۸، ۲-۱ به بعد؛ *کشف المحجوب*، هجویری، تصحیح ژوکوفسکی، ص ۷؛ *رسالة الملامیه سلمی*، تصحیح عقیق (قاهره، ۱۳۶۴، ق/۱۹۴۵ م)، ص ۸۶، ۵-۱ و غیره.

۵۴. مثلاً، *دقائق الحقائق*، برگ ۱۵۶ ب ۱-۱۴.

۵۵. مثلاً نک: *الدقائق فی الطريق*، برگ ۴ الف ۴-۱؛ از مریدان جلال‌الحق والدین.

۵۶. *الدقائق فی الطريق*، برگ ۱۵۲ ب ۱-۱؛ شیخ خود ۳-۱؛ شیخم.

۵۷. درباره اطاعت مطلق مرید، نک: مثنوی، دفتر اول، ابیات، ۱۶۰۵، ۱۶۱۴، ۲۹۶۹ و...؛ *مرصاد العباد*، ص ۱۴۶ به بعد؛ ابوسعید ابی‌الخیر آشکارا گفته‌های خود را هم سطح قرآن به حساب آورده است، قس:

Zachner, *Hindu and Muslim Mysticism* (New York 1969), p. 1769.

مذکور در اسرار التوحید ابن‌منور (تهران، ۱۳۳۲ ش) ص ۱۱۰، برای مرید کاملاً مرسوم بوده که از همه دانشها و معرفتهای اکتسابی پیشین دست بکشد و بدون چون و چرا فرمان مرشد را بپذیرد. مانند ارتباط مولانا با شمس تبریزی (ولدتنامه، ص ۱۹۸، ۱۱-۱/۱۲).

شیخ استاد گشت نوآموز درس خواندی به خدمتش هر روز

منتهی بود مبتدی شد باز مقتدی بود مقتدی شد باز

(احتمالاً مقتدی اول باید مقتدی خوانده شود).

این سخن به طور قطع درباره دیوان کبیر و مثنوی مولوی - چنان که در آثار احمد رومی جلوه گر شده است - صادق است. در جای جای دقاق الحقائق و ام الکتاب، می بینیم که احمد رومی در تأیید استدلالها و گفته های خود نه تنها از آیات و احادیث، بلکه - به همان اندازه - از اشعار مولانا نیز استفاده کرده است. اشعار مولانا یا در تأیید یک نظریه آمده<sup>۵۸</sup> یا در تأیید یک توصیف<sup>۵۹</sup>؛ در موارد دیگر، استدلالی مبتنی بر آیات و احادیث، ممکن است با یک یا چند بیت مولوی نیز مستدل گردد.<sup>۶۰</sup> علاوه بر آن، احمد رومی اغلب به مولانا به عنوان مرجعی موثق جهت تفسیر آیات قرآن می نگرد.<sup>۶۱</sup> این نقش را خود مؤلف به عنوان عنصر اساسی دقاق الحقائق توضیح داده است. در مقدمه این کتاب<sup>۶۲</sup> می خوانیم:

چند لفظی را که فرمودند طلب	بر سیل و عظم دینی زان سبب
هر چه یاد آمد ز قرآن و خیر	و از مقالات های شیخ راهبر
شاه مولانا جلال الحق و دین	خازن اسرار رب العالمین <sup>۶۳</sup>

بعلاوه در رد انتقاداتی که دقاق الحقائق برانگیخته بود، این اثر را به عنوان مجموعه ای از آیات، احادیث و گزیده هایی از مولانا توصیف کرده و یادآور شده است که این بنیان را به منظور تغییر و تبدیل یا پنهانکاری پی ریزی نکرده است. (به گفته او) احکام قرآن، حدیث و ابیات مشایخ من، در هر حال، در همه جای جهان مورد احترام است، پس چگونه یک منتقد دروغ پرداز جرأت و یارای نقد آنها را دارد؟ و چگونه می تواند معنای اصلی را تغییر دهد؟ و چگونه می تواند دهانش را به اعتراض گشاید؟<sup>۶۴</sup> این عدم تمایز میان سخنان خداوند و سخنان بشر (آن هم یک شاعر)، احتمالاً سبب شده که

۵۸. مثلاً: دقاق الحقائق، فصل ۱۱، برگ ۱۴۷، «بدانکه در عوام انسان غفلت و تیرگی گل غالب است و در خواص انسان عنصر کل (کلی) مغلوبست و لطافت و دل غالب» (نک: دقاق الحقائق، به اهتمام محمدرضا جلال نائینی و محمد شیروانی، تهران، ۱۳۵۴ ش، ص ۸۱-۸۲). در مثنوی، دفتر ۴/بیت ۶-۲۵-۳۰؛ دفتر ۳/بیت ۷-۲۳۴۶ نقل شده است.

۵۹. برای مثال، دقاق الحقائق، فصل ۴، برگ ۱۲۸ الف - ب، صوفی راستین را «شیر راه» توصیف کرده. در مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۳۸۹ نیز نقل شده است.

۶۰. مثلاً دقاق الحقائق، فصل ۱۳، برگ ۱۵۲ الف؛ دیوان کبیر، جلد ۵، بیت ۳۱۹۴۳. حدیث «الانسان معدن کعادن الذهب و الفضة» را روشن ساخته است.

۶۱. مثلاً: دقاق الحقائق، باب ۸ و ۱۷.

۶۲. دقاق الحقائق، برگ ۱۱۹ ب ۱۱/۱-۱۴.

۶۳. نک: دقاق الحقائق (چاپ جلال نائینی)، ص ۲.

۶۴. الدقاق فی الطریق، برگ ۱۵۲ ب ۱-۲ به بعد.

برخی دوستان مؤمن تر، از او انتقاد کنند - درست همان گونه که از کسانی که مثنوی را «قرآن به زبان پهلوی» می خواندند انتقاد می کردند.<sup>۶۵</sup> احمد جز از مولانا، از شاعر دیگری، شعر نقل نکرده است: این حقیقت را او خود در کتاب الدقائق فی الطريق اذعان داشته <sup>۶۶</sup>، متأسفانه این اشعار با بی دقتی بسیار نقل شده است. گاه این فکر به انسان دست می دهد که در صحت انتساب این اشعار به مولانا تردید کند. در ام الکتاب ما با قطعات مثنوی از بزرگان صوفیه همچون عین القضاة همدانی (فصل ۴)، سلیمان دارانی (فصل ۵) و سعد حموی (فصل ۶) مواجه می شویم و بیش از این نیز به امام اعظم ابوحنیفه اشاره کردیم.

گذشته از این، ساخت و انشاء برخی حکایات چنان با داستانهای منطق الطیر مشابهت دارد که می توان نتیجه گرفت که احمد رومی در تألیفات خود از آن بهره جسته است.<sup>۶۷</sup> در واقع در بخش مربوط به سخن بایزید بسطامی که: «لوائی اعظم من لواء محمد» یک بار از تذکرة الاولیاء نام برده است.<sup>۶۸</sup>

گفته بلوشه، مبنی بر اینکه نظامی نیز یکی از مراجع و مأخذ ام الکتاب بوده، نادرست است.<sup>۶۹</sup> ویژگی عمده آثار احمد رومی همانا بهره جستن و گرایش بسیار آنها به مثنوی معنوی و دیوان مولاناست.<sup>۷۰</sup> مثلاً در الدقائق فی الطريق، ما با اشاره ای آشکار به دیباجه مثنوی که با «بشنو» آغاز می شود، مواجه هستیم. در آنجا کلیات به «نی» تشبیه شده است، و معنی به «نوازنده نی»، و یا در

۶۵. مثنوی معنوی مولوی / هست قرآن در زبان پهلوی (جامی، قس: Blochmann, *Prosody of the Persians*, p. XV. نک: ارمغان، شماره ۱۳۵۰/۴۰، ص ۷۹۸، ابیات بهاءالدین محمد عاملی (متوفی ۱۰۳۱ هـ ق/۱۶۲۲ م)

می نمی گویم که آن عالیجناب هست پیغمبر ولی دارد کتاب مثنوی او چو قرآن مدل هادی بعضی و بعضی را مصل

به احتمال نخستین بیت از آن جاست. (قس: نیکلسون، مثنوی، ۷/۴، ص هفت، حاشیه ۲)، بیت دوم نیز نظیر مثنوی است (دفتر ۶، بیت ۶۵۶)، این بیت و بیت قبلی نوعی شباهت مثنوی را با قرآن القاء می کند (قس، همچنین مثنوی، دفتر ۳، ابیات ۴۳-۴۲۳۲) نظیر این بیت در جواهر الاسرار کمال الدین حسین بن حسن خوارزمی (متوفی ۸۴۰ یا ۸۴۵ هـ ق) آمده است. قس نسخه لیدن، شماره ۶۲۷، برگ ۹ ب ۱-۱۲.

۶۶. الدقائق فی الطريق، ۱۱/۱۰ برگ ۱۵۲ ب ۱-۱.

۶۷. مثلاً داستان ذواتون و گنجشک کور، در آنجا واژه غیر معمول سکره (به جای اسکوره) به کار برده شده است. دقائق الحقائق، فصل ۱۱ و ۹ = تذکرة الاولیاء، جلد ۱، ۱۱۵، داستان فضیل عیاض و یهودی، دقائق الحقائق، فصل ۳۷، تذکرة الاولیاء، جلد ۱، ۷۶. ۶۸. ام الکتاب، فصل ۱۶، برگ ۷۰ الف، قس: تذکرة الاولیاء، جلد ۱، ۱۷۶، سطر ۵۱ به بعد.

69. *Catalogue des MSS persans*, vol. I. p. 28 No. 44.

۷۰. نخستین بیت تمامی آثار احمد با واژه «ابتدا» شروع می شود که به احتمال بسیار، تقلیدی است از ابتدائنامه سلطان ولد (که چون ولدنامه، به اهتمام جلال الدین هسانی، تهران، ۱۳۱۵ ش طبع شده است).



مقایسه‌ای دیگر، معنی به‌شکر و گفتار به‌نیشکر.<sup>۷۱</sup>

در واقع واژه «بشنو»، تقریباً نقش سحرآمیزی ایفا می‌کند. در دقائق الحقائق هر فصل جدید، چنین طرح می‌گردد:

بشنو اکنون فصل دیگرای سنی تا دل و جانت بیاید روشنی<sup>۷۲</sup>

در الدقائق فی الطریق نیز، پیش از هر فصل و باب جدید، اشعاری مشابه این بیت آمده است. وزن همه بخشهای مثنوی، مانند مثنوی معنوی، بحر رمل است. بخش عمده حکایات ملهم از مثنوی است.<sup>۷۳</sup> از توضیح خود احمد درباره دقاق الحقائق چنین بر می‌آید که باید در پذیرفتن توصیف فروزانفر از این اثر به‌عنوان شرح مثنوی<sup>۷۴</sup> بسیار احتیاط کرد، زیرا دقاق الحقائق مسلماً شرح مثنوی نیست. فروزانفر، آیات و احادیث مذکور در آغاز هر فصل را شرح ابیات مثنوی که در انتهای هر فصل آمده، پنداشته است. هر چند گهگاه، محتوای هر بخش به‌صورت مختصر و مفید در ابیاتی از مثنوی که در انتها آمده، خلاصه شده، اما در چندین فصل نیز، ابیات نقل شده از مثنوی، فقط به‌یکی از جوانب فرعی بحث اشاره دارد.<sup>۷۵</sup> به‌نظر من، این ابیات و نقلها، بیش از آنکه خود موضوع اصلی بحث را تشکیل دهد، عنصری ادبی است که جهت تأکید آمده است.<sup>۷۶</sup> الگوی تألیفی مشابه با دقاق الحقائق و الدقائق فی الطریق، در ام‌الکتاب یافت می‌شود. با توجه به‌اینکه شروح مثنوی یک سده بعد ظهور کردند<sup>۷۷</sup>، آثار احمد رومی را می‌توان نخستین نمونه از آثاری دانست که اشعار مولانا عنصر اساسی ساخت آنها را تشکیل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۷۱. الدقائق فی الطریق، برگ ۵ الف ۹-۱ به‌بعد.
۷۲. هیمر، به‌اشتباه «تا بیاید دل و جانت روشنی» آورده است (نک: دقایق الحقائق چاپی، ص ۸ به‌بعد). - م.
۷۳. مثلاً دقاق الطریق، فصل ۸۷ = مثنوی، دفتر ۵، ابیات ۲۲۲۸ به‌بعد (نشو)؛ دقاق الحقائق، فصل ۶۷ = مثنوی دفتر اول، ابیات ۲۸۳۵ به‌بعد (داستان نحوی و ملاح) و غیره.
۷۴. شرح مثنوی، جلد ۱، ص ۱۰، مقدمه.
۷۵. به‌عنوان مثال: بخشهای ۱۴، ۵۸، ۶۲.
۷۶. برای مثال، دقاق الحقائق، فصلهای ۵۸، ۶۲.
۷۷. قدیمیترین شرح موجود به‌نظم (بحرمتقارب) کنوز الحقائق فی رموز الدقائق، از شیخ طریقت کبرویه، کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی (متوفی ۸۴۰ تا ۸۴۵ ه. ق) است (هیمر در اینجا اشتباه کرده، زیرا نام صحیح کتاب نثر الجواهر و تألیف ابوالوفا خوارزمی است، نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله «ابوالوفا خوارزمی» جلد ۶، ص ۳۷۰ - م.). موزه بریتانیا، نسخه خطی شرق شماره ۱۲۹۸۸۴ (قس: G. M. Meredith Owens, Handlist, p. 76). این مؤلف (حسین خوارزمی) بعدها شرحی مشهور با عنوان جواهر الاسرار و زواهر الانوار بر مثنوی نگاشت که در لکهنو ۱۳۱۲ ق/ ۱۸۹۴ م به‌چاپ رسید، جهت نسخه‌های خطی نک: منزوی، فهرست، جلد ۲، بخش ۱، ص ۱۱۱۶.

می دهد، بدون آنکه خود ابیات موضوع شرح و تفسیر باشد.<sup>۷۸</sup> معهذ، این تألیفات معمولاً به صورت مجموعه‌ای از سرفصلهای توضیحی است همراه با گزیده‌هایی از ابیات مثنوی که با اشعار خود مؤلف پیوند خورده است.<sup>۷۹</sup> تا آنجا که من دریافته‌ام، رهیافت احمد کاملاً بکر و اصیل است و حتی شاید بی نظیر باشد.

### تعالیم احمد

موضوع عمده آثاری که در اینجا مورد بحث قرار گرفت، نشان می دهد که مؤلف این آثار متکلم و عارفی متوسط است که در تفسیر و فقه و کلام تبحر دارد.<sup>۸۰</sup>

ام‌الکتاب به ویژه شامل بحثهای ظریف و پیچیده‌ای درباره مسائل کلامی است. در این بحثها، احمد بسیار می کوشد که از دیدگاه اهل سنت و جماعت در برابر تعالیم بدعت آمیز معتزله درباره مخلوق بودن قرآن<sup>۸۱</sup> و نیز عقاید فرقه‌های غیر رسمی (معتزله، کرامیه و ...) در تفسیر آیه ۵۴ سوره اعراف (إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ...) <sup>۸۲</sup> دفاع کند. می توان گفت که تفسیر احمد بر این آیه، موضوع اصلی ام‌الکتاب و نیز دقائق الحقائق و بخش کلامی الدقائق فی الطريق را تشکیل می دهد: عرش (در این آیه) آنچنانکه در غالب آثار و نوشته‌های صوفیه آمده، همچون دل مؤمن راستین تفسیر شده است.<sup>۸۳</sup> دل مسجد اقصی و خانه حقیقی خداوند است<sup>۸۴</sup>، در دل جایی برای غیر خدا نیست، در آنجا، جمال الهی را با چشم دل

۷۸. در اینجا قصد نداریم تألیفاتی را بررسی کنیم که از نوع ادبی متفاوتی است. منظور من شعر نخستین شعرای مولویه چون سلطان ولد، اولو عارف چلبی و دیگران است که اگرچه ویژگیهای فردی مشخصی را نشان می دهند، اما به وضوح خواسته‌اند که از مولانا تقلید کنند.

۷۹. غوته‌های نوع اول عبارتند از: لب اللباب مثنوی حسین بن علی واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰ هـ ق)، چاپ تهران، ۱۳۱۹ ش؛ و جزیره مثنوی از یوسف سینه‌چاک (متوفی ۹۳۵ هـ ق؛ قس: حاجی خلیفه، جلد ۷، ص ۳۷۵) (Gölpinarli, Mevlânâ'dan) (sonra Mevlevilik, p. 124 ff, Leiden, Cod. 1676 b ff 13a-21a) (متوفی ۹۵۶ یا ۹۵۷ ق، قس: حاجی خلیفه، جلد ۵، ص ۲۳۷، جلد ۶، ص ۵۸۹؛ Leiden cat. Cod. 592-3; Ricu, p. 592-3; Orientalum II, p. 112)؛ شرحی نیز با همین ترتیب تألیف آخوند ملاعلی نوری وجود دارد، قس: مزوی، جلد ۲، بخش ۱، ص ۱۲۲۵) باید یادآور شد که همه اینها از سده ۱۰ هـ ق به بعد تألیف شده است.

۸۰. قس: ام‌الکتاب، فصلهای ۳۴، ۲۵، ۲۸، ۳۱ (که همگی تعلیم دهنده جبرند) ۸، ۳۵، ۱۷.

۸۱. ام‌الکتاب فصل ۱۷.

۸۲. ام‌الکتاب، فصل ۱.

۸۳. ام‌الکتاب، فصل ۱، قس: مثنوی، دفتر اول، بیت شماره ۳۶۶۵.

۸۴. ام‌الکتاب، فصلهای ۱، ۱۵، ۳۳؛ دقائق الحقائق، ۱۷، ۲۳؛ قس: مثنوی، دفتر ۱، ابیات ۲۶۵۳ به بعد.

می‌توان دید. ۸۵

حاصل این گفته‌ها و اندرزها، گذشتن از ظواهر بیرونی و توجه به امر باطنی است.<sup>۸۶</sup> یا به تعبیری دیگر، نشستن بر براقِ جذبۀ عشق و سفر از عالمِ گل به عالمِ دل.<sup>۸۷</sup> رؤیت جمال الهی فقط برای عاشق واقعی امکان‌پذیر است. تلقی و دریافت احمد از عشق تا حدی با تلقی و دریافت مولانا از عشق تفاوت دارد. تصور او از عشق تا اندازه‌ای بالاتر از تقوی و تأملات دینی صوفیان است. عشق به خودی خود مترادف با فقر است. عشق و میل رسیدن به حق در دل، مستلزم پرهیز کامل از دنیا است.<sup>۸۸</sup> در الدقائق فی الطريق، باب ۱۲ (برگ ۱۵۸ الف) میان عشق الهی و حقیقی با عشق مجازی که خود مقدمه و لازمه عشق الهی است، تمایز قایل می‌شود. موضوع عشق مجازی در آثار احمد رومی، موضوعی غیر عادی است و فقط یک‌بار مطرح می‌گردد، و در متن حاضر نیز به تفصیل از آن یاد نشده است.

بارزترین اختلاف دیدگاه احمد با دیدگاه مولوی این است که در نظریۀ عشق احمد رومی، جایی برای عاشق مست وجود ندارد، حال آنکه چنین عاشق مستی را بارها در اشعار مولانا (به‌ویژه اشعار غنایی و غزلیات او) می‌یابیم که جمال فراگیر معشوق را در صورت انسانی می‌ستاید.<sup>۸۹</sup> این امر را فقط می‌توان تا حدی ناشی از جنبۀ تعلیمی محض آثار احمد به حساب آورد. علاوه بر آن نماد شراب در آثار احمد وجود ندارد. به‌جز آنچه گذشت دیدگاه‌های احمد کم و بیش با دیدگاه‌های مولانا مشابه است، بویژه درباره‌ی موضوعاتی از قبیل کمال روحانی و جذبۀ متقابل عاشق و معشوق.<sup>۹۰</sup> گرچه دقایق الحقائق و ام‌الکتاب با موضوعات مشابه سروکار دارند، اما از شیوه و اصول متفاوتی پیروی می‌کنند. دقایق الحقائق را باید مجموعه‌ای از وعظ و خطابه‌های اخلاقی شمرد که به شرح خصلتها و روشهای صوفیه می‌پردازد. این کتاب آکنده از نصایحی است که سالک را به مبارزه با شهوات حیوانی<sup>۹۱</sup> و اعتماد و تکیه بر خداوند در امر معاش<sup>۹۲</sup> تشویق و ترغیب می‌کند. ستم به هم‌نوعان به شدت محکوم

۸۵. ام‌الکتاب، فصلهای ۸، ۲، ۲۱، ۲۲؛ الدقائق فی الطريق، فصل ۱ و ۴.

۸۶. ام‌الکتاب، فصلهای ۳۲-۳۶.

۸۷. ام‌الکتاب، فصلهای ۲، ۳۳.

۸۸. ام‌الکتاب، فصل‌های ۷، ۱۴، ۱۵ و جاهای مختلف؛ الدقائق فی الطريق، ۲، ۳.

۸۹. مثلاً، ام‌الکتاب، فصلهای ۲، ۵؛ دقایق الحقائق، فصلهای ۱۱، ۱۴. قس: مثنوی، دفتر ۴، ابیات ۳۶۳۷ به بعد.

۹۰. مثلاً، ام‌الکتاب، فصلهای ۲۶، ۲۳؛ دقایق الحقائق ۴۵؛ قس: مثنوی، دفتر ۴، بیت ۲۶۷۵ به بعد، دفتر اول، بیت ۳۶۰۴، دفتر

۲، بیت ۸۰؛ ولدنامه، ص ۱۰۱-۱۰۲ به بعد.

۹۱. دقایق الحقائق، فصلهای ۷، ۸، ۲۰، ۲۲، ۷۱.

۹۲. دقایق الحقائق، فصلهای ۹، ۱۰.

شده است.<sup>۹۳</sup> این مطلب، گهگاه با توضیحات روان شناختی،<sup>۹۴</sup> و بحث‌های نسبتاً مفصلي در اصطلاحاتی مانند: ایمان، فقر، توبه و... همراه شده است.

با این رهیافت، می‌توان در توصیف فرد مؤمن چنین نظریه‌ای به دست داد: آن کس که همه این فضایل را کسب کرده است، جمال الهی را درون خود خواهد یافت. این نظریه مبنای نخستین قضیه ام‌الکتاب است. با این حال باید خاطر نشان کرد که رهیافت احمد اساساً گرایشی به ساده‌سازی آراء مولانا دارد. به عبارت دیگر، نظریات مولوی که غالباً به صورت وجدآمیز و شهودی بیان شده، در آثار احمد رومی به صورت انتزاعی و در قالب عرفان زاهدانه بازگو شده، و حتی برای صوفیان مبتدی نیز قابل فهم است. حال و هوای بحث احمد از آیین صوفیه بی تردید کاملاً برخلاف شروح و تفاسیر فلسفی بسیار پیچیده سده‌های بعد است که سطر سطر آنها مستند به عرفان و وحدت وجودی ابن عربی است. این کتاب احمد بیشتر یادآور آثار نسبتاً اصولی و رسمی صوفیه، مانند: قوت القلوب مکی و احیاء العلوم غزالی است تا آثار ابن عربی.

در دقایق الحقائق جنبه دیگری از تصوف، یعنی رابطه مرید و مرشد، مورد عنایت خاص قرار گرفته است.<sup>۹۵</sup> اما این موضوع در الدقائق فی الطریق مینا و موضوع اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. الدقائق فی الطریق بیشتر از جنبه‌های عملی زندگانی صوفیه بحث می‌کند و هدف اصلی آن کاربرد عملی سلسله‌ای از اعتقادات و باورهاست که بحث نظری درباره آنها در جای دیگر ارائه شده است. فقط باه‌های ۱، ۲ و ۳ به نظریه فقر اختصاص یافته است. این نظریه فقر مادی را از فقر معنوی و روحانی متمایز می‌سازد<sup>۹۶</sup>، و مقام شیخ را چون راهنمایی روحانی ترسیم می‌کند که تعالیم و راهنمایی‌های سرانجام به شهود سعادت آمیز منتهی می‌گردد.<sup>۹۷</sup> کاملترین عارف، فقیر خاص است که از جمال الهی ارتزاق می‌کند، مرتبه نازلتر، فقیر قانع است که ممکن است مجبور شود با تکدی امور خود را بگذراند.<sup>۹۸</sup> موضوع باه‌های بعدی کتاب رفتار و اعمال واقعی صوفیه است. باب ۴ (برگ ۶۲ الف) از خرقة و

۹۳. دقایق الحقائق، فصلهای ۲، ۳، ۵۲، ۶۳.

۹۴. دقایق الحقائق، فصلهای ۱۴، ۴.

۹۵. دقایق الحقائق، فصلهای ۵۷، ۵۸.

۹۶. فراضطرائی در مقابل فقر اختیاری، قس: هجویری، کشف المحجوب، ترجمه نیکلسون (لیدن، لندن، ۱۹۱۱م)، ص ۶۰، ۳۱۶.

۹۷. احمد برای مطابقت با آراء جلال‌الدین در این باره، احتمال رسیدن به هدف بدون بهره جستن مستقیم از پیر را ممکن دانسته است (فقر عطانی، عشق عطانی، قس: دقایق الحقائق، فصل ۵۸: الدقائق فی الطریق، فصل ۲، مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۹۷۴ به بعد).

با این همه معمولاً کمک شیخ ضروری است.

۹۸. الدقائق فی الطریق، فصل ۱۸/۳.

رنگهای مختلف آن بحث می‌کند. باب ۵ (برگ ۶۳ الف) به وظایف و مقررات خانقاه صوفیه اختصاص دارد. این باب به تفصیل درباره موضوعهای گوناگونی بحث می‌کند، از جمله اینکه: شخص با چه شرایطی می‌تواند وارد خانقاه گردد، و چگونه رفتار کند، اصل و سرچشمه وجوهات و درآمد خانقاه، آداب گدایی، سفر و... . باب ۶ (برگ ۶۸ ب) به اصول اخلاقی صوفیه می‌پردازد. این باب مسائلی چون توبه، روزه، رزق، توجه و ذکر خداوند و... را توضیح می‌دهد و هدف و زمان ذکر را معین می‌سازد. دروغ‌گویی را محکوم می‌کند، و از معاشرت با جماعت زنان و امردان یرحذر می‌دارد.<sup>۹۹</sup> موضوع باب ۷ (برگ ۹۵ ب) آداب شیخ است. در آنجا با شرح و توضیحی تفصیلی درباره آیین ویژه تشرّف مواجه می‌شویم، از جمله سرتراشیدن، اعطاء طاقیه (کلاه)، خرقة و سجاده<sup>۱۰۰</sup> و نیز مجموعه‌ای از قواعد و اعمال و آداب سلوک برای خود شیخ. باب ۸ (برگ ۱۱۸ الف) اعمال انضباطی را بیان می‌کند که شیخ مریدانش را به انجام دادن آنها در انزوا فرمان می‌دهد. معیار این اعمال خیالاتی است که در خلوت مرید به سراغ او می‌آید. در باب ۹ (برگ ۱۲۲ الف) از «خیالات علوی و سفلی» گوناگون گفتگو شده است.

تمایز میان این دو نوع خیال عمدتاً مبتنی بر حضور یا غیبت حسن الهی در آنهاست. فقط شیخ است که ماهیت آنها را تعیین می‌کند. در باب ۱۰ (برگ ۱۲۵ الف) نظام پیچیده‌ای از دوره‌های کوتاه و بلند خلوت‌نشینی برای مریدان مختلف طرح شده است. باب ۱۱ (برگ ۱۳۴ الف) شامل بحث درباره مقام و منزلت شیخ است همراه با شرحی مفصل از انواع گوناگون علم و نیز این مطلب که برای شیخ لازم است از علم دین آگاه و با اطلاع باشد. شیخ و به‌طور کلی عالمان برای اجتماع مسلمانان اهمیتی اساسی دارند. اگر آنها فاسد باشند کل جامعه اسلامی به فساد کشیده می‌شود. عنوان باب ۱۲ (برگ ۱۵۸ الف) «در بیان عشق و استماع» است. بحث درباره موضوع عشق بسیار کوتاه است و به‌وضوح، همچون مقدمه‌ای بر بحث از موضوع سماع است. وجد باطنی حاصل از عشق الهی عاشق را به «جوشش» می‌آورد. او در آوای عود، دف، نی و ریاب ستایشی از خداوند می‌شنود که او را به رقص و سماع وامی‌دارد. (در این باب) انگیزه سماع و مشروعیت آن مورد بحث واقع شده است، (و برای آن) سه شرط وضع شده است: ۱. زمان درست: شخص می‌بایست وقت کافی داشته باشد، متوجه کارها و اعمال دیگری نباشد، سماع نباید نزدیک وقت نماز باشد، ۲. مکان درست: در خلوت و به دور از چشم

۹۹. به عنوان مثال: ام‌الکتاب، فصل ۳۷ (برگ ۱۵۱ ب ۳-۱ به بعد).

۱۰۰. نیز نک: دقائق الحقائق، فصل ۵۸.

و گوش عوام باشد، ۳. اخوان درست: همه دوستان و همراهان باید در مراتب روحانی یکسان و همانند باشند.<sup>۱۰۱</sup> نهمین و آخرین فصل درباره جذبه و خرقة دریدن است که متأسفانه ناقص است. تا وقتی تحقیق فراگیر و منظمی درباره اعمال و آداب سلسله‌های صوفیه صورت نگرفته تعیین خاستگاه و اصالت آراء و اندیشه‌های احمد دشوار است. در حقیقت، بسیاری از مطالب احمد رومی را در مصباح الهدایه<sup>۱۰۲</sup> محمود کاشانی (متوفی ۷۳۵ هـ ق) که خود روایت فارسی عوارف المعارف سهروردی است، و نیز در اوراد الاحباب و فصوص الآداب یحیی باخرزی (متوفی ۷۳۶ هـ ق) و سایر کتابهای جامع صوفیه، می‌توان یافت. همچنین باید یادآور شد که در الدقایق فی الطریق همان ترتیب مندرج در باب ۵ مصباح الهدایه (ص ۱۴۶ به بعد) درباره مستحسنان، یعنی خرقة، خانقاه و آداب و اصول آن، خلوت و سماع در آن سلسله، رعایت شده است. اما صرف نظر از تشابه مطالب و برداشت احمد با مؤلفان معاصر در این موضوع، این اثر وی در بسیاری از جزئیات با آثار دیگر فرق دارد.

با توجه به قواعد رفتار و آداب صوفیه، که در کتاب الدقائق فی الطریق ارائه شده، نمی‌توان نتیجه گرفت که احمد رومی قصد ترویج گونه‌ای مشخص از طریقت مولویه را داشته است. هر چند بخشی از آدابی که در کتاب او توصیف شده از مجموع آداب طریقت مولویه است، ولی بسیاری از آنها چنین نیست.<sup>۱۰۳</sup>

۱۰۱. این بر مبنای سخنی از جنید است، قس: رساله قشیره، به اهتمام عبدالحلیم محمود (قاهره ۱۹۶۶)، جلد ۲، ص ۶۴۵؛ سراج، کتاب اللع، به اهتمام رینولد آن نیکلسون (لیدن، لندن، ۱۹۱۴ م)، ص ۲۷۲، سطرهای ۱، ۴، ۵، و یحیی باخرزی، اوراد الاحباب، به اهتمام ایرج افشار (تهران، ۱۳۵۴ ش)، ص ۲۰۸، در این کتاب از این مفهوم به شیوه‌ای متفاوت بحث شده است.

۱۰۲. به اهتمام جلال‌الدین هاشمی، تهران، ۱۳۲۳ ش.  
 ۱۰۳. مثلاً طبّیخی که نقش مهمی در تشریح به طریقت مولویه دارد (قس: A. Gölpınarlı, *Mevlânâ, dan sonna*, 1953, p. 397, *Mevlevilik*, Istanbul). به همین شکل در فصل ۵۸ دقاق الحقائق آمده است. در زمان مولانا تنها مراسم تشریف (البته گذشته از مراسم اعطای خرقة) سرتراشیدن بود (*Mevlevilik*, 187، دقاق الحقائق، فصل ۵۸، برگ ۲۶۸ الف). در روش احمد، دو تفاوت عمده با آداب مولویه پیدا شد: ۱. گدایی مجاز شمرده شده است (دقاق الحقائق، فصل ۳۹، الدقایق فی الطریق، فصل ۲/۵، فصل ۱۸/۳؛ قس: افلاکی، ترجمه هوارت Huart جلد ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰)، ۲. خلوت، با خدمات خانقاهی مفصل همراه نشد (الدقائق فی الطریق، فصل ۵، قس: *Mevlevilik*, 391). بیت زیر در الدقایق فی الطریق، فصل ۱۲، برگ ۱۶۳ ب ۱-۱

گر رسد در گوش او آواز فی چرخ را در چرخ آرد زیر بی

نمی‌تواند اشاره‌ای مستقیم به رقص چرخان مولویه باشد، رقص چرخان که شبیه چرخه وجود است، دیر زمانی قبل از مولانا وجود داشته است. قس: احمد غزالی (متوفی ۵۲۰ هـ ق/ ۱۱۲۶ م) بوارق الانماع ed, J. Robson, *Tracts on Listening to Music*, London 1938, p. 99-100. شیخ صنعان نیز تحت تأثیر شراب عشق، به همین طریق می‌رقصید، قس: عطار، منطق الطیر، به اهتمام محمدجواد مشکور (تهران، ۱۳۵۷ ش)، ص ۸۸، سطر ۱-۱۵.

و آنهایی هم که با تشکیلات طریقت مولویه مطابقت دارد، در دیگر آثار احمد نیز ذکر شده است. آثار احمد آشکار می‌سازد که زندگانی صوفیانه در سده ۱۴ م لزوماً نیازی به آن نداشته است که مطابق قواعد صوری سلسله‌های موجود سازمان یابد. ظاهراً محبوبیت بسیار زندگانی خانقاهی در سده‌های میانه هند ۱۰۴ به افرادی که رسماً با هیچ یک از سلسله‌های قدیمتر ارتباط نداشته انگیزه کافی و شایسته بخشید تا گروههایی از مریدان و هواداران را در خانقاههای خود گردآورند، اما از آنجا که زوال و انحطاط سرنوشت مقدر بسیاری از این گروهها بود<sup>۱۰۵</sup>، به نظر می‌رسد که سازمان و خانقاه احمد رومی نیز که ظاهراً از میان رفت و هیچ اثری جز آنچه در اینجا شرح شد، از او به جای نماند.

### پیوست: نسخه‌های موجود دقائق الحقائق

فهرست برگل از نسخه‌های خطی دقائق الحقائق در جلد ۱ (ص ۱۱۷) و جلد ۳ (ص ۱۳۳۴) در کتاب ادبیات فارسی<sup>۱۰۶</sup> او بسیار ناقص است، او مجموعه‌ای از ۱۹ نسخه خطی را بر می‌شمارد و از نسخه قاهره، شماره ۵۹ (فهرس طلعت، تصوف) که چنانکه پیش از این بدان اشاره شد، اثری کاملاً متفاوت است، نیز یاد می‌کند. من فهرست ۱۴ نسخه دیگر را در زیر آورده‌ام، از جمله دو نسخه که قدیمترین دست‌نوشته‌هایی است که من شناخته‌ام؛ اما نمی‌دانم که بر سر نسخه فن کگل چه آمده است؟

فهرست نسخه‌های خطی دقائق الحقائق انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی  
بوهار، نک:

*The Catalogue Raisonné of the Būhār Library,*

مورخه ۱۲۷۲ ه.ق، شماره ۱۸۸، ص ۱۴۴ (کلکته، ۱۹۲۱)، جلد ۱.

کلکته، نک:

*Ivanow, Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal*

ص ۵۶۷، شماره ۱۱۸۷، مورخ ۱۱۳۳ ه (کلکته، ۱۹۲۴).

۱۰۴. K. A. Nizami, "Khānqāh Life in Medieval India" in *Studia Islamica*, No. 8, 1957, p. 53.

۱۰۵. J. S. Trimingham, *The Sufi Orders in Islam*, (Oxford 1971) p. 23.

کیمبریج، نسخه‌های خطی شرقی، ۹/۱۵۵۷ قس:

Arberry A 2nd Suppl. Handlist of the Muh. MSS in the University and Colleges of Cambridge

ص ۶۰، شماره ۳۴۵، تاریخ ۱۱۴۴ هـ (کیمبریج، ۱۹۵۲ م)

دکا، نک: *The Descriptive Cat. of Persian ... Mss in the Dacca Univ. Library*, vol. I.

ص ۲۸۴، شماره ۲۸۶، تاریخ ۱۱۰۲ هـ (دکا، ۱۹۶۶).

دوشنبه، تاجیکستان، فرهنگستان علوم، شماره ۲۳۳۱۰۱، قس:

*Katalog Vostochnykh Rukopisei Akademii Nauk Tadzhikshoi, SSR, A. M. Mirzoev, A. N. Bdsyrev*

ص ۱۳۲، شماره ۴۸۵ (دوشنبه، ۱۹۶۸) نسخه ناقص و نامطلوب و بی تاریخ است (حدود ۱۵۰۰ م). کابل، نک: ص ۱۲۴ (کابل ۱۹۶۵) *Manuscripts' Afghanistan* شماره ۱۲۱ (۷۲) تاریخ ۹۷۶ هـ

قونیه، موزه مولانا، شماره ۲۱۰۳ (cilt ۴۲۰)، قس:

*Gölpınarlı, Mevlânâ Müzesi Yazmalar Kataloğu,*

ص ۱۶۲ (آنکارا، ۱۹۷۱) جلد ۲، تاریخ ۱۰۰۱ هـ ق، (برخلاف آنچه گولپینارلی گفته، این نسخه و

نسخه‌های بعد به فارسی نوشته شده است). موزه مولانا، شماره ۲۱۰۲ (cilt ۴۱۹) قس: *Gölpınarlı,*

*Katal*، جلد ۲، ص ۱۶۲، بی تا، (سده ۱۱ هـ ق) - موزه مولانا: قطعه‌ای از دقات الحقائق به قلم گولپینارلی

توصیف شده است (*Katal*, II/53) که سومین اثر در مجموعه‌ای متعلق به سده ۹ هـ ق، به شماره ۱۷۳۱

است (FF17a. 30a (cilt ۳۱۵)). گولپینارلی این اثر را معرفی نکرده اما از نقل قولها، آشکار می‌گردد که

این قطعه بخشی از دقات الحقائق است از فصل ۳۰ آغاز می‌گردد و گفته شده که پایان آن ناقص است با

این همه عبارتی از فصل ۸۰ نقل شده است.

لیدن، *Cod. 274(3) Warn., ff 424 b-459 b. Catalogus Codicum Orientalium*، قس: (لیدن،

۱۸۵۱)، جلد ۲، ص ۱۱۰-۱۱۱، فقط ۳۳ فصل نخست را دارد و فاقد بخش منشور مقدمه است و تاریخ

آن ۸۵۱ هـ ق است - *Cod. Or, 6066* (مجموعه نسخه‌های خطی شرقی) ناقص است و از پایان فصل ۳

آغاز می‌شود، نسبتاً بی دقت است، تاریخ آن ۱۰۱۹ هـ ق است.



همان مجموعه نسخه‌های خطی شرقی (۲) ۱۰۶۸

Warn, ff, 111 b-320a CCO V (Leiden 1873), p. 41

بی تا (سده ۱۰ و ۱۱ ه.ق).

پاریس، کتابخانه ملی، Blochat, *Catalogue des MSS Persans* جلد ۱ (پاریس، ۱۹۰۵) ص ۹۶، شماره ۱۴۳، بی تا (تقریباً سده ۱۷ م).

تاشکند، یک فصل مجزا از دقاق الحقائق با عنوان فصل چهل و یکم از حقائق الحقائق در

Semenow, *Descr, Catalogue of the Persian Tadjik ... MSS*

(تاشکند، ۱۹۵۶ م)، ص ۲۱، شماره ۴۲/۲۰۵ (از شرح و توضیح آشکار می‌گردد که این فصل به شوخی و خنده به‌عنوان امری مخزّب و مایه تباہی دل می‌پردازد، همچنانکه در دیگر نسخه‌های خطی دقاق الحقائق آمده است). پیش از این فصل، فصل دیگری با شماره ۴۱/۲۰۵ به‌عنوان فصل ۱۸ از حقائق الدقائق آمده است که به عقیده سیمونف با بخش مشابه آن در دقاق الحقائق احمد رومی متفاوت است.

تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۸۵۳۸ (این نسخه قبلاً در تملک بدیع‌الزمان فروزانفر بوده است)، آسیب دیده، اما با وجود این نسخه خوبی است، دارای ۱۹۴ برگ، به‌خط نستعلیق روشن، بی تا (احتمالاً سده ۱۰ ه.ق) سرآغاز (برگ ۱ ب) اندکی با دیگر نسخه‌های خطی دقاق الحقائق متفاوت است (بعد از بسم‌الله) «الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی خیر خلقه و مظهر لسان حقّه محمد و آله اجمعین». در پی آن، این اثر به جلال‌الدین رومی نسبت داده شده است، که با بییتی که در برگ ۱۲ الف سطر ۱۴ آمده مغایرت دارد. در آنجا مؤلف خود را احمد رومی می‌نامد (همین نسبت متناقض در نسخه خطی قونیه، شماره ۲۱۰۲ نیز وجود دارد).<sup>۱۰۷</sup> اولین بیت، برگ ۱ ب، بیت ماقبل آخر کاملاً با بیت ابتدا کردم ... متفاوت است، به‌جز این، اختلاف قابل توجه دیگری وجود ندارد.

۱۰۷. این نسخه (برگ ۱ ب) شجره‌نامه‌ای غیرعادی از مولانا به‌دست می‌دهد، یعنی: جلال‌الدین بن شهاب‌الدین بن حسن بلخی بن محمد مطیع بن علی بن عطاءالله بن نصرالله. در نسخه قونیه، شماره ۲۱۰۲ (برگ ۱ ب ۳-۱) شجره‌نامه‌ای مشابه یافت می‌شود. جلال‌الدین بن شهاب‌الدین ولی‌الدین حسین بلخی بن احمد مطیع (مطیعی) بن جلال‌الدین بلخی بن عباد بن نصرالله بن ابی‌بکر صدیق. نخستین این دو شجره‌نامه را شاید بتوان با روایت معمول از شجره‌نامه‌ای که گولپیناری آورده مقایسه کرد.

Mevlânâ Celâleddin (Istanbul, 1959: 3rd. Imp), p. 35.